

تحلیل مضمون اخبار ناظر به جامعیت قرآن در بخش علم ائمه علیهم السلام به «ماکان و ما یکون»
در کتاب الکافی

محمد جواد توکلی خانیکی^۱

مهدی ریحانه^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۲۱

چکیده

با توجه به فاصله زمانی صدور روایات تا کنون، احتمال جعل و تغییر برخی واژگان احادیث قوت می‌یابد. لذا باید برای درک مقصود کلام معصومین علیهم السلام، از الگویی مناسب برای تحلیل و فهم روایات استفاده گردد. این پژوهش با روش «تحلیل محتوا» خوانش جدیدی را از روایات ناظر به جامعیت قرآن - که مشعر به علم ائمه علیهم السلام به «ماکان و ما یکون» در الکافی آمده - ارائه نماید. نتیجه، آن‌که: الف. از مجموع شش روایت، تنها یک روایت مرتبط با بحث جامعیت قرآن و علم ائمه علیهم السلام بوده و مؤیدات روایی در الکافی و بعضی کتب روایی دارد که زنجیروار به یکدیگر متصل‌اند؛ گویی وحدت زمانی، مکانی و صدور دارند؛ ب. ماده «علم» و واژه «کتاب» بیشترین فراوانی در این گونه روایات دارد؛ ج. عامل اصلی صدور این روایات سوق دادن مردم به سمت اهل بیت علیهم السلام در تقابل با رأی و قیاس است که به تدریج، طرفداران زیادی یافت. کلیدواژه‌ها: تحلیل محتوا، علم ماکان و ما یکون، جامعیت قرآن، الکافی.

مقدمه

یکی از مباحث مهم که نظر برخی اندیشمندان را به خود جلب کرده، قلمرو جامعیت قرآن است که در تفسیر آیات قرآن و بازخورد آن برای شنونده و میزان نقش آفرینی آن در زندگی

۱. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم دانشکده علوم قرآنی مشهد (نویسنده مسئول) (Tavakoli.mj@chmail.ir).

۲. کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث (mahdi.reyhaneh@gmail.com).

انسان متفاوت خواهد بود. به عقیده قرآن پژوهان، جامعیت قرآن از نظر علمی که برای هدایت بشر مورد نیاز است، اثبات شده است. و قرآن کریم بر این مطلب تأکید دارند: ﴿... وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ...﴾^۱؛ ﴿... لَا رَظْبٍ وَلَا يَأْسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ﴾^۲. روایات متعددی نیز این مهم را تأکید می‌کند. با توجه به فاصله زمانی صدور روایات تاکنون، احتمال جعل و تغییر برخی واژگان احادیث قوت می‌یابد. لذا باید برای درک مقصود کلام معصومین علیهم السلام، از الگویی مناسب برای تحلیل و فهم روایات استفاده گردد. این پژوهش درصدد پاسخ به این پرسش است که: محتوای اخبارناظر به جامعیت قرآن در الکافی - که مشعر به علم ائمه علیهم السلام به «ماکان و ما یکون» است - چگونه تحلیل می‌شود؟ به نظر می‌رسد اصول و مبانی کلی هر علمی در قرآن کریم بوده و راهکار پاسخ‌گویی به کلیه نیازمندی‌های بشریت از توجه و تعقل در آیات قرآن قابل برداشت است؛ چرا که این کتاب انسان‌ها را بارها به تفکر و تعقل دعوت کرده است.^۳ به علت گستردگی بحث و عدم امکان ترسیم تمام جداول تحلیلی در خصوص اخبارناظر به جامعیت قرآن، محوریت بحث در این پژوهش روایت علم ائمه علیهم السلام به «ماکان و ما یکون» در کتاب الکافی است که ضمن بیان علوم نهفته در قرآن - که نزد اهل بیت علیهم السلام است - ارتباط عمیقی با جامعیت قرآن نیز دارد. از آنجایی که سخنان معصومین علیهم السلام منطبق با کلام وحی و دارای ظاهر و باطن است، در این پژوهش تلاش گردیده با بهره‌گیری از روش‌های تحقیقی میان رشته‌ای، خوانش جدیدی از اخبارناظر به جامعیت قرآن ارائه نماید؛ تا درک و فهم جدیدی از لایه‌های ظاهری و باطنی کلام ائمه اطهار علیهم السلام ارائه شود. بنابراین، استفاده از روش «تحلیل مضمون» برای مطالعه متن روایات جامعیت قرآن وجه نوآوری و تمایز مقاله حاضر نسبت به کارهای مشابه است که با رویکرد ارائه گزارش دقیقی از موضوعات اصلی و فرعی همراه بوده و درصدد فهم و کشف لایه‌های ظاهری و باطنی کلام معصوم علیهم السلام است.

طبق احصای نگارنده درباره تحلیل محتوای اخبارناظر به جامعیت قرآن مقاله یا کتاب مستقلی به رشته تحریر در نیامده است، اما در باب موضوعات مرتبط با آن کتب و مقالات بسیاری نگاشته شده است که در پی اثبات جامعیت مطلق یا نسبی قرآن است. مقاله‌ای

۱. سوره نحل، آیه ۸۹.

۲. سوره انعام، آیه ۵۹.

۳. سوره یس، آیه ۶۸؛ سوره نحل، آیه ۶۷؛ سوره جاثیه، آیه ۱۳.

تحت عنوان «پژوهشی در رویکرد جامعیت مطلق قرآن»، ضمن بیان آیات جامعیت قرآن، برخی از روایات مرتبط با بحث و رویکردهای مختلف، موانع مختلف استنباط جامعیت مطلق قرآن را مطرح کرده است.^۱ هم‌چنین در مقاله «بررسی دلالت عبارت "تبیان کل شیء" بر جامعیت قرآن»، ضمن بررسی برخی از روایات مرتبط با بحث، دیدگاه‌های کمینه، میانه و بیشینه جامعیت قرآن را مطرح و نقد نموده است.^۲

تعاریف

تحلیل

به نظر می‌رسد «تحلیل»، اصطلاحی است که در مطالعات ادبی از علم شیمی به عاریت گرفته شده است. وقتی شیمی دان در آزمایشگاه ماده‌ای را تحلیل می‌کند، در واقع آن ماده را به عناصر تشکیل دهنده‌اش تجزیه می‌کند و نشان می‌دهد که آن عناصر در ترکیب با یکدیگر چگونه باعث به وجود آمدن ماده مورد نظر شده‌اند. در حدیث پژوهی نیز عناصر به وجود آورنده روایت، یک به یک مشخص می‌شوند و سپس هم‌پیوندی آن عناصر و نحوه ساختار آفرینی آن‌ها در متن مورد نظر بررسی می‌شود.

در مواجهه با یک «حدیث» به عنوان یک متن مقاصد نویسنده و شرایط تولید آن شناسایی شده فهم کاملی از زمینه‌های صدور آن دنبال می‌شود. ضرورت این تحلیل از آن روی است که متن را نمی‌توان به طور کامل فهمید، مگر این‌که مشخص شود چه کسی، درباره چه چیزی، در چه مکان و زمانی، برای چه مخاطبی، و چرا این مطلب را بیان کرده است. توجه به این امور - که همان فرایند معکوس تکون و ایجاد یک متن است - تحلیل نامیده می‌شود که در لایه‌ها و سطوح مختلفی تحقق پیدا می‌کند.^۳

تحلیل مضمون

تحلیل مضمون روشی برای شناخت تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های متنوع و پراکنده را به داده‌های غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند.^۴ تحلیل مضمون صرفاً روش کیفی خاصی نیست،

۱. «پژوهشی در رویکرد جامعیت مطلق قرآن»، ص ۱۱۳-۱۲۶.

۲. «بررسی دلالت عبارت "تبیان کل شیء" بر جامعیت قرآن»، ص ۳۵-۶۰.

۳. روش‌شناسی فهم حدیث در فرایند سه‌گانه تحلیل متن، تحلیل محتوا و تحلیل گفتمان، ص ۲۹۲-۲۹۳.

4. Vol. 3, No. 2, Pp. 77-101, Using thematic analysis in psychology.

بلکه فرایندی است که می‌تواند در اکثر روش‌های کیفی به کار رود و مضامین پایه و سازمان‌دهنده مبنای بحث قرار گیرد. مضامین پایه شامل کدها و نکات کلیدی متن است. با مطالعه کامل متن باید خردترین کدها شناسایی و به عنوان یک مضمون پایه انتخاب شود. مضامین سازمان‌دهنده شامل مضامین حاصل از ترکیب و تلخیص مضامین پایه است. کدهای پایه باید مرور و مفاهیم مشابه در کنار هم قرار گیرند. پژوهش‌گر با توجه به توان تشخیص و تسلط خود، باید نام مناسبی برای هر دسته کد انتخاب کند. در نهایت، مضامین فراگیر شامل مضامین عالی دربرگیرنده حاکم بر متن به مثابه کل است.^۱

تحلیل مضمون، طیف گسترده‌ای از روش‌ها و فنون را در برمی‌گیرد. در فرایند تحلیل مضمون با توجه به اهداف و سؤالات تحقیق می‌توان از روش‌های تحلیلی مناسب آن استفاده کرد. در تحلیل مضمون همه منابع داده، بررسی و مضامین کل داده‌ها، تحلیل و تفسیر می‌شود. کدگذاری در تحلیل مضمون روشی ساختارمند برای شناسایی مضامین اصلی و فرعی پیرامون پدیده مورد مطالعه است. روش‌های کدگذاری در تحلیل مضمون مشابه کدگذاری در تحلیل محتوا است.

تحلیل محتوا

«تحلیل محتوا» روشی است که می‌توان آن را درباره انواع گوناگون پیام‌های مندرج در آثار ادبی، مقاله‌ها، اسناد رسمی، خطابه‌ها، اعلامیه‌های سیاسی، گزارش‌های اجتماعات و... برای گرفتن نتایج معتبر و قابل تکرار از داده‌های به کار بست.^۲ روش «تحلیل محتوا» یا «روش تحلیل مضمونی» روشی علمی برای تفسیر متن و از جمله روش‌های تحقیقی است که در حوزه علوم انسانی کاربرد داشته و به علت این که نتایج آن، دارای اعتبار و روایی بالایی است، بسیار مورد توجه محققان و پژوهش‌گران عرصه‌های مختلف قرار گرفته است.^۳

«لورنس باردن» اشاره می‌کند که «تحلیل محتوا در حقیقت فن پژوهش عینی، اصولی و کمی به منظور تفسیر و تحلیل محتوا است و تفکر بنیادی تحلیل محتوا عبارت است از قرار

1. Pp. 385-405 Thematic networks: an analytic tool for qualitative research.

۲. تحلیل محتوا، ص ۱۳۸.

۳. «رهاورد‌های استفاده از روش تحلیل محتوای کمی، در فهم احادیث»، ص ۲۹.

دادن اجزای یک متن در مقولاتی که از پیش تعیین شده‌اند.^۱ در معرفی «روش تحلیل محتوا» آمده است:

روش تحلیل محتوا از جمله روش‌های تحقیق میان‌رشته‌ای است که می‌تواند به عنوان ابزاری جدید، به تحلیل نصوص دینی اعم از قرآن کریم یا احادیث پردازد و مدالیل آن‌ها را شناسایی نماید، اما به منظور استفاده از این روش، ابتدا باید ادبیات نظری آن متناسب با موضوع نصوص دینی، تعریف و در نهایت، فنون مختلف آن، بومی‌سازی شوند.^۲

تحلیل محتوا به دو روش کمی و کیفی انجام می‌شود:

تحلیل محتوای کمی

منظور از تحلیل‌های کمی، بررسی فراوانی کلمات، قالب‌ها، مضامین و موضوعات اصلی و فرعی متن است. تحلیل‌های کمی راه ورود به تحلیل‌های کیفی را هموار می‌سازند.^۳ در این روش بیشتر به ظاهر متن و شمارش کلمات یا جملات خاصی اکتفا می‌شود و فراوانی موضوعات اصلی و فرعی، کلید واژگان و... با ترسیم جداولی قابل مشاهده است. فرض بر این است که تکرار کلمات خاصی در یک دسته از روایات، نشان‌دهنده روابطی در آن روایات و یا نشان‌دهنده حقایقی در آن روایات است که با یک بررسی نظامند می‌توان به کشف حقایقی نایل شد.

تحلیل محتوای کیفی

تحلیل محتوای کیفی، یعنی به کار بستن شیوه‌ای نظام‌مند برای تفسیر ذهنی محتوای داده‌های متن، از طریق کدگذاری‌های طبقه‌بندی شده، به گونه‌ای که بررسی لایه‌های عمیق‌تر متن میسر شود و به نظریه‌پردازی بینجامد. هرگونه استنباط از موضوعات یک متن منوط به گزارش‌های تحلیل کمی است. لذا با توجه به نتایج حاصل از آن، مسیر ورود به تحلیل کیفی فراهم می‌شود.^۴ وقتی پژوهش‌گرسعی در

۱. تحلیل محتوا، ص ۲۹.

۲. «روش‌شناسی فهم حدیث در فرایند سه‌گانه تحلیل متن، تحلیل محتوا و تحلیل گفتمان»، ص ۲۹۸.

۳. «تحلیل محتوای توحیدی امام صادق (ع) با ابن‌ابی‌العوجاء»، ص ۳۰؛ «رهاورد‌های استفاده از روش تحلیل محتوای کمی، در فهم احادیث»، ص ۳۵.

۴. «تبیین راه‌کارهای عملی و نظری کسب تواضع و فروتنی بر مبنای تحلیل محتوای خطبه قاصعه امیرالمومنین»، ص ۲۳.

استنباط معنایی خاص از یک متن، از طریق طبقه بندی کلمات و پی بردن به شباهت ها، افتراق ها و روابط بین آن ها دارد، تحلیل محتوای کیفی بیشتر مناسب است. در اسناد کلینی علیه السلام غالب روایات جامعیت قرآن قابل مشاهده است. به عقیده نگارنده، مابقی اخبار مرتبط با بحث را - که در کتب روایی دیگر آمده - می توان مؤیدی برای روایات استفاده شده از کتاب الکافی دانست؛ حتی اگر از نظر نگارش و مؤلف، آن کتب بر کتاب الکافی متقدم محسوب شوند.

دسته بندی روایات ناظر به جامعیت قرآن در اسناد کلینی علیه السلام

در اسناد کلینی علیه السلام غالب روایات جامعیت قرآن قابل مشاهده و در دسترس است. به عقیده نگارنده، بعضی اخبار مرتبط با بحث را - که در کتب روایی دیگر آمده - می توان مؤیدی برای روایات استفاده شده از کتاب الکافی دانست؛ حتی اگر از نظر نگارش و مؤلف، آن کتب بر کتاب الکافی متقدم محسوب شوند. به دلیل کثرت این گونه روایات در اسناد کلینی علیه السلام و عدم امکان بررسی تک تک آن ها فقط روایت علم ائمه اطهار علیهم السلام به «ماکان و ما یکون» در کتاب الکافی به عنوان نمونه با کد (D1) محور بحث قرار می گیرد. و مابقی اخبار، به عنوان مؤیداتی که ناظر به همان بخش است، در بخش تحلیل های کیفی و کمی بررسی شده است؛ و توضیح کدهای استفاده شده در جداول نیز در بخش «ایجاد کدگذاری و کشف مضامین» آمده است.

جدول دسته بندی روایات ناظر به جامعیت قرآن در اسناد کلینی علیه السلام

نشانی روایت و یا مشابه آن در کتب دیگر	متن روایت	سند	عنوان دسته	دسته بندی
				کد روایت
الکافی، ج ۱، ص ۲۶۱. (عیون أخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۲۳؛ بصائر الدرجات، ص ۱۲۷-۱۲۸، ح ۱-۶؛ تأویل الآیات الظاهرة، ص ۱۰۹؛ همان، ص ۶۱۱-۶۱۲؛ تفسیر	إِنِّي لَأَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا فِي الْجَنَّةِ وَأَعْلَمُ مَا فِي النَّارِ وَأَعْلَمُ مَا كَانَ وَ	عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغْبِرَةِ وَ	علوم نهفته در قرآن (ولی در نزاهل بیت <small>علیهم السلام</small>)	D 1

دسته بندی	عنوان دسته	سند	متن روایت	نشانی روایت و یا مشابه آن
				در کتب دیگر
R 1		عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا مِنْهُمْ عَبْدُ الْأَعْلَى وَ أَبُو عُبَيْدَةَ وَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ بَشِيرٍ الْخَثْعَمِيُّ سَمِعُوا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ	مَا يَكُونُ قَالَ ثُمَّ مَكَتَ هُنَيْئَةً فَرَأَى أَنَّ ذَلِكَ كَبُرَ عَلَى مَنْ سَمِعَهُ مِنْهُ فَقَالَ عَلِمْتُ ذَلِكَ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ ﷻ إِنَّ اللَّهَ ﷻ يَقُولُ فِيهِ تَبْيَانُ كُلِّ شَيْءٍ .	الصفافی، ج ۳، ص ۱۵۱؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۴۴۳-۴۴۴؛ همان، ص ۴۴۶-۴۴۷؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۷۳، ح ۱۷۲؛ همان، ج ۳، ص ۷۶، ح ۱۸۶.
D 2	همه احتیاجات و احکام مورد نیاز مردم در قرآن	مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ مُرَارِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ	إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَنْزَلَ فِي الْقُرْآنِ تَبْيَانًا كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى وَاللَّهِ مَا تَرَكَ اللَّهُ شَيْئًا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْعِبَادُ حَتَّى لَا يَسْتَطِيعَ عَبْدٌ يَقُولُ لَوْ كَانَ هَذَا أَنْزَلَ فِي الْقُرْآنِ - إِلَّا وَقَدْ أَنْزَلَهُ اللَّهُ فِيهِ	الكافی، ج ۱، ص ۵۹. (المحاسن، ج ۱، ص ۲۶۷، ح ۳۵۲؛ تفسیر القمی، ج ۲، ص ۴۵۱؛ تفسیر الصفافی، ج ۱، ص ۵۶؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۰؛ همان، ج ۵، ص ۸۶۶؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۷۴، ح ۱۷۶؛ تفسیر الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۱۰؛ تفسیر اثنا عشری، ج ۷، ص ۲۶۶؛ تفسیر أحسن الحدیث، ج ۵، ص ۴۸۵).
R 2				
D 3	اصل و ریشه همه چیز در قرآن (لکن عقول مردم معمول به آن نمی رسد)	مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ حُنَيْسٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ	مَا مِنْ أَمْرٍ يَخْتَلِفُ فِيهِ اثْنَانِ إِلَّا وَلَهُ أَصْلٌ فِي كِتَابِ اللَّهِ ﷻ وَ لَكِنْ لَا تَبْلُغُهُ عُقُولُ الرِّجَالِ	الكافی، ج ۱، ص ۶۰. (المحاسن، ج ۱، ص ۲۶۷-۲۶۸، ح ۳۵۵؛ تفسیر الصفافی، ج ۱، ص ۵۶؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۱؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۷۵، ح ۱۸۰).
R 3				

دسته بندی	عنوان دسته	سند	متن روایت	نشانی روایت و یا مشابه آن در کتب دیگر	کد روایت
D 4	همه چیز در کتاب و یا سنت آمده است.	عَلِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ	مَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَفِيهِ كِتَابٌ أَوْ سُنَّةٌ	الکافی، ج ۱، ص ۵۹. (تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۵۶؛ بصائر الدرجات، ص ۳۰۱ - ۳۰۲؛ الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ص ۲۸۱؛ بحار الأنوار، ج ۲، ص ۳۰۴؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۷۴، ح ۱۷۸؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۲۵۸).	
R 4					
D 5	تنها امور دینی در قرآن آمده است.	عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَجَّالِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقَدٍ عَدَمَ ذِكْرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ	إِنَّ الْقُرْآنَ نَزَلَ أَرْبَعَةَ أَرْبَاعٍ رُبْعٌ حَلَالٌ وَرُبْعٌ حَرَامٌ وَرُبْعٌ سُنُّنٌ وَرُبْعٌ حَبْرٌ مَا كَانَ قَبْلَكُمْ وَنَبَأُ مَا يَكُونُ بَعْدَكُمْ وَفَضْلٌ مَا بَيْنَكُمْ	الکافی، ج ۲، ص ۶۲۷ (الکافی، ج ۲، ص ۶۲۸؛ شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۱، ص ۵۹ و ص ۶۲).	
R 5					

مراحل و روش‌های تحلیل مضامین اخبار ناظر به جامعیت قرآن

از جمله فرایندهای انتخاب شده برای تحلیل محتوای اخبار ناظر به جامعیت قرآن، استفاده از مراحل ذیل است:

- مرحله اول. تقطیع متن به جملات محتوایی،
- مرحله دوم. کدگذاری و کشف مضامین،
- مرحله سوم. کشف نقاط تمرکز هر روایت،
- مرحله چهارم. استخراج کلیدواژگان اصلی،
- مرحله پنجم. ثبت یادداشت‌های نظری،
- مرحله ششم. تحلیل‌های توصیفی و ارائه نظریه،
- مرحله هفتم. سنجش فراوانی موضوعات اصلی و فرعی.

تقطیع روایات به جملات محتوایی

در این مرحله ابتدا باید متن یک روایت را به جملات متعددی که علاوه بر ارتباط با دیگر جملات، دارای محتوای مستقلی است، تقطیع و سپس محتوای هر کدام به طور ویژه بررسی شود. این کار باعث تسهیل در مراحل بعدی، خصوصاً مرحله کدگذاری و کشف نقاط تمرکز هر جمله می‌گردد. نکته قابل ذکر، این که به دلیل حجم بالای روایات مورد بحث و خودداری از ترسیم جداول متعدد، سعی شده تا مراحل را که احتیاج به ترسیم جدول دارند، به صورت تجمیع در قالب یک جدول ارائه گردد.

ایجاد کدگذاری و کشف مضامین

در این مرحله برای هر قسمت یک کُد در جداول درج می‌گردد. هم‌چنین آن ایده و پیام اصلی جمله که طبق قاعده اصول «تبادر» به ذهن خطور می‌کند، به صورت یک جمله خبری کوتاه به عنوان مضمون اصلی جمله ذکر می‌شود.^۱ ایجاد کدگذاری در قسمت تحلیل‌های کیفی بسیار مؤثر بوده و باعث شده که ضمن تسهیل در پژوهش، از تکرار روایات نیز خودداری گردد. در این پژوهش حرف «D» نماد این است که روایت در تقسیم‌بندی انجام شده در دسته چندم قرار دارد.^۲ حرف «R» کُد روایت بدون تقطیع است. حرف «A» نماد قسمتی از روایت تقطیع شده و حرف «M» نماد قسمتی از روایت تقطیع شده در بخش مؤیدات روایی است.

کشف نقاط تمرکز هر جمله

یک روایت علاوه بر محتوای اصلی، می‌تواند با توجه به همتایی قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام و روایاتی که کردار و گفتار اهل بیت علیهم‌السلام را با حقیقت معانی و مضامین قرآن منطبق می‌داند، دارای مضامین متعددی باشد که در هر عصری برای مخاطب خود حرف تازه و پیامی ویژه داشته باشد. مولای متقیان حضرت علی علیه‌السلام فرمایند:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى ... جَعَلْنَا مَعَ الْقُرْآنِ وَجَعَلَ الْقُرْآنَ مَعَنَا لَا نَفَارِقُهُ وَلَا يُفَارِقُنَا.^۳

لذا مجموع مضامین متعدد یک حدیث بیان‌گر کلیت فضای حاکم بر حدیث است که از

۱. «روش‌شناسی فهم حدیث در فرایند سه‌گانه تحلیل متن، تحلیل محتوا و تحلیل گفتمان»، ص ۳۰۰.

۲. به عنوان مثال، کُد «D3» به معنای این است که روایت در دسته سوم قرار دارد؛ یعنی روایاتی که مؤید این مطلب هستند که: «اصل و ریشه همه چیز در قرآن است؛ لکن عقول مردم معمولی به آن نمی‌رسد».

۳. الکافی، ج ۱، ص ۱۹۱.

طریق استخراج موضوعات فرعی به عنوان «نقاط تمرکز» در هر روایت، می تواند کمک شایانی به تحلیل نهایی متن کند.

استخراج کلیدواژگان اصلی

استخراج یک یا چند کلید واژه از یکایک روایات و ترسیم نمودارهای کمی و فراوانی سنجی، کمک شایانی به فهم بهتر مقصود کلام معصوم علیه السلام می کند. مطالعه واژگان کلیدی اخبارناظر به جامعیت قرآن و فراوان سنجی آن ها نشان می دهد که موضوع اصلی و عوامل صدور آن روایات چه بوده و تأکید بیشتر بر چه مسائلی است.

جدول کلیدواژگان اصلی

کد	نقاط تمرکز (موضوعات فرعی)	مضمون (موضوع اصلی)	کلید واژگان	جمله (مربوط به دسته DI)
A1	دانستن آن چه در آسمان ها و زمین است.	علم و آگاهی امام <small>علیه السلام</small> به مسائل مختلف	أَعْلَمُ	سَمِعُوا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ <small>عليه السلام</small> يَقُولُ إِنِّي لَأَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا فِي الْجَنَّةِ وَأَعْلَمُ مَا فِي النَّارِ وَأَعْلَمُ مَا كَانَ وَمَا يَكُونُ از امام صادق <small>علیه السلام</small> شنیدند که فرمود: من آن چه در آسمان ها و زمین است می دانم و آنچه در بهشت و دوزخ است می دانم و گذشته و آینده را می دانم.
	آگاهی از آن چه در بهشت و دوزخ است.		مَا فِي السَّمَاوَاتِ - مَا فِي الْأَرْضِ - مَا فِي الْجَنَّةِ - مَا فِي النَّارِ	
	علم گذشته و آینده را امام می داند.		ماکان	
	معطوف ساختن اذهان به علم امام <small>علیه السلام</small>		ما یكون	
A2	تعجب شنوندگان	نرسیدن عقول مردم به بسیاری از مطالب	مکث هنیئه	قَالَ ثُمَّ مَكَثَ هُنَيْئَةً فَرَأَى أَنَّ ذَلِكَ كَثِيرٌ عَلَى مَنْ سَمِعَهُ مِنْهُ سپس اندکی تأمل کرد و دید این سخن بر شنوندگان گران آمد
A3	تأکید مجدد امام <small>علیه السلام</small> بر	احاطه کامل علم	عَلِمْتُ	فَقَالَ عَلِمْتُ ذَلِكَ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ <small>عز وجل</small>

کد	نقاط تمرکز (موضوعات فرعی)	مضمون (موضوع اصلی)	کلید وارزگان	جمله (مربوط به دسته D1)
	علم خود و معطوف ساختن اذهان به این مسأله	امام <small>علیه السلام</small> به مسائل نهفته در قرآن	کِتَابِ اللَّهِ	فرمود: من این مطالب را از کتاب خدای <small>تعالی</small> می دانم
A4	قبل از سؤال شنوندگان، امام <small>علیه السلام</small> آدرس مطلبی را که بیان فرمودند؛ از قرآن می فرمایند. مؤید کلام امام <small>علیه السلام</small> یک آیه از قرآن.	بیان تبیان و جامعیت قرآن	«تَبْيَانُ كُلِّ شَيْءٍ»	إِنَّ اللَّهَ <small>تعالی</small> يَقُولُ فِيهِ تَبْيَانُ كُلِّ شَيْءٍ خدای <small>تعالی</small> می فرماید «بیان هر چیز در قرآن است».

ثبت یادداشت های نظری

ثبت سؤالات و نکات تحلیل های توصیفی اولیه هر حدیث که به ذهن تحلیل گر خطوط کرده، از مهم ترین اقدامات در تحلیل متن است که نقش مهمی در نتیجه گیری تحلیل های کیفی دارد. هرچند به اثبات نرسیده اند، اما در پایان می توانند راه گشای محقق در تحلیل های کیفی باشند.^۱ این یادداشت ها در جداول ذیل آمده است.

یادداشت های نظری	D1
چرا امام <small>علیه السلام</small> در ابتدای سخن به گستره علم خود اشاره داشته اند؟ آیا این مقدمه طرح جامعیت قرآن است؟ آیا مقصود امام <small>علیه السلام</small> علم معصوم <small>علیه السلام</small> است؛ یا جامعیت قرآن و یا ملازمت هر دو ثقل؟ آیا قبل از فرمایش امام <small>علیه السلام</small> مخاطب یا مخاطبین پرسشی مطرح کرده اند؟ آیا از روایت، مطلبی حذف شده و یا راوی عمداً آن را نیاورده است؟ منظور امام <small>علیه السلام</small> از سخن درباره علم آسمان ها و زمین و ... چیست؟ آیا این مطالب برای شنونده تکراری نیست یا تعجبش را بر می انگیزد؟ آیا امام <small>علیه السلام</small> این سخنان را در منبر سلونی فرموده اند؟ آیا حکومت و جو سیاسی آن دوران باعث این سخن شده است؟ آیا امام <small>علیه السلام</small> مستقیم و یا غیر مستقیم قصد اثبات حقانیت خود را دارند؟	A1

۱. با اندکی تغییر: «روش شناسی فهم حدیث در فرایند سه گانه تحلیل متن، تحلیل محتوا و تحلیل گفتمان»، ص ۳۰۴.

یادداشت‌های نظری	D1
علت مکث امام <small>علیه السلام</small> چیست؟ تعجب همگان در آن مجلس برای چیست؟ آیا منتظر مؤیدی از قرآن بوده‌اند؟ آیا امام <small>علیه السلام</small> این جمله را بلافاصله مطرح فرموده‌اند و یا این مکث مدتی طول کشیده است؟ آیا قبل از عبارت «ثم مکث» جمله‌ای از روایت حذف نشده است؟	A2
آیا امام <small>علیه السلام</small> آیه‌ای را برای تأیید سخنان خود فرموده‌اند؟ با توجه بحث به علم امام <small>علیه السلام</small> در صدر روایت و آیه ذیل روایت مقصود اصلی امام <small>علیه السلام</small> چیست؟	A3
با توجه به آیه ۸۹ سوره نحل به نظر می‌رسد که در این جا نقل به معنا شده است.	A4

تحلیل توصیفی و ارائه نظریه

در این مرحله به تحلیل کیفی اخبار منتخب پرداخته شده و نظریه‌هایی برای یافته‌های تحقیق ارائه می‌گردد. در بخش دسته‌بندی روایات، تنها یک روایت از هر دسته را برگزیده شده است و از احادیث مشابه - که مؤیدات قوی برای هر دسته از روایات (D1 - D5) محسوب می‌گردد - استفاده شده است:

۱. تبیین احادیث در پرتو احادیث دیگر

مؤیدات روایی و شواهدی که مشعر به مضمون و نقاط تمرکز روایت اصلی است و بر آن صحه می‌گذارد، از مواردی است که می‌تواند در بخش تحلیل روایات کمک پژوهش‌گر باشد، که در قالب جدولی جداگانه همراه با کدگذاری آمده است. در روایتی آمده که امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

لَا تَقْبَلُوا عَلَيْنَا حَدِيثَنَا إِلَّا مَا وَافَقَ الْقُرْآنَ وَالسُّنَّةَ أَوْ تَحِدُونَ مَعَهُ شَاهِدًا مِنْ أَحَادِيثِنَا الْمُتَقَدِّمَةِ...^۱

هم چنین امام رضا علیه السلام می‌فرمایند:

... إِنَّ كَلَامَ آخِرِنَا مِثْلُ كَلَامِ أَوَّلِنَا وَ كَلَامِ أَوَّلِنَا مِضْدَاقٌ لِكَلَامِ آخِرِنَا.^۲

نکته مهم این دو روایت، لزوم هماهنگی حدیث متأخر با احادیث متقدم و عدم تعارض آن‌ها با یکدیگر و با کلام خدا است. و این مؤیدات تنها از کتاب الکافی استخراج گردیده است؛ وگرنه برای هر دسته از روایات می‌توان شواهد و مؤیدات بسیاری را از کتب روایی دیگر

۱. اختیار معرفة الرجال، ص ۲۲۴؛ بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۵۰.

۲. همان.

استخراج نمود. در این بخش به دلیل کثرت روایات هم سو و مشابه با روایاتی که در تقسیم بندی پنج گانه آورده شد: الف. مؤیدات انتخاب شده تنها از دسته (D1) آورده شده؛ ب. در مواردی ناگزیر تنها بخشی از هر روایت به صورت یک جمله محتوایی، تقطیع گردیده و از ذکر سلسله راویان در ابتدای سند خودداری شده است. این گونه موارد به صورت سه نقطه «...» در قبل و یا بعد از قسمت تقطیع شده مشخص گردیده است.

جدول مؤیدات روایی برای دسته D1

مؤیدات روایی برای دسته D1	کُد قسمت تقطیع شده	کلید واژگان	کُد کل روایت	آدرس روایت و یا مشابه روایت در دیگر کتب روایی و تفسیری
... قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ الْعَزِيزَ الْجَبَّارَ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ كِتَابَهُ...	M1	أَنْزَلَ - كِتَاب - حَبْرُ مَنْ	R6	(المحاسن، ج ۱، ص ۲۶۷، ح ۳۵۲؛ الكافي، ج ۲، ص ۵۹۹؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۷۷، ح ۱۸۹)
فِيهِ حَبْرُكُمْ وَ حَبْرُ مَنْ قَبْلَكُمْ وَ حَبْرُ مَنْ بَعْدَكُمْ وَ حَبْرُ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ	M2	قَبْلَكُمْ - حَبْرُ مَنْ بَعْدَكُمْ - حَبْرُ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ		
و لَوْ أَنَّكُمْ مِنْ يُحْبِرِكُمْ عَنْ ذَلِكَ لَتَعَجَّبْتُمْ	M3			
امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند: ... إِنَّ عِنْدَنَا الْجَامِعَةَ... فِيهَا كُلُّ حَلَالٍ وَ حَرَامٍ وَ كُلُّ شَيْءٍ يَخْتَاجُ النَّاسُ إِلَيْهِ حَتَّى الْأَرْضُ فِي الْحَدِيثِ	M4	الْجَامِعَةَ - حَلَالٍ - حَرَامٍ - كُلُّ شَيْءٍ - يَخْتَاجُ النَّاسُ - عِلْمٌ مَا كَانَ - عِلْمٌ مَا هُوَ كَائِنٌ إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ ...	R7	(بصائر الدرجات، ص ۳۲۵؛ الكافي، ج ۱، ص ۲۳۸ - ۲۴۰؛ الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۸۲۹)
... ثُمَّ قَالَ إِنَّ عِنْدَنَا عِلْمَ مَا كَانَ وَ عِلْمَ مَا هُوَ كَائِنٌ إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ ...	M5	عِلْمٌ مَا هُوَ كَائِنٌ		
ابوبصیر سؤال می کند: علم کامل چیست؟ حضرت می فرماید: «مَا يَخْدُتُ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ الْأَمْرُ مِنْ بَعْدِ الْأَمْرِ وَ الشَّيْءُ بَعْدَ الشَّيْءِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»	M6			
سلمة بن محرز گوید: شنیدم امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ می فرمود: إِنَّ مِنْ عِلْمٍ مَا أَوْثِقْنَا تَفْسِيرَ الْقُرْآنِ وَ	M7	تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ -	R8	الكافي، ج ۱، ص ۲۲۹

مؤیدات روایی برای دسته D1	کُد قسمت تقطیع شده	کلید واژگان	کُد کل روایت	آدرس روایت و یا مشابه روایت در دیگر کتب روایی و تفسیری
أَحْكَامُهُ وَعِلْمُ تَغْيِيرِ الزَّمَانِ وَ حَدَّثَانِيهِ				
إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ خَيْرًا أَشَمَعَهُمْ ...	M8			
وَلَوْ وَجَدْنَا أَوْعِيَةً أَوْ مُشْتَرِحًا لَقُلْنَا وَاللَّهِ الْمُسْتَعَانُ ...	M9			
امام صادق <small>عليه السلام</small> فرمودند: قَدْ وُلِدْنِي رَسُولُ اللَّهِ <small>صلى الله عليه وآله</small> وَأَنَا أَعْلَمُ كِتَابَ اللَّهِ	M10	وُلِدْنِي رَسُولُ اللَّهِ <small>صلى الله عليه وآله</small> - أَعْلَمُ - كِتَابَ اللَّهِ - مَا هُوَ كَاتِبٌ - حَبْرُ السَّمَاءِ - حَبْرُ الْأَرْضِ - حَبْرُ الْجَنَّةِ - حَبْرُ النَّارِ - حَبْرُ مَا كَانَ - حَبْرُ مَا هُوَ كَاتِبٌ	R9	(تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۲۶۶؛ بصائر الدرجات، ص ۱۲۷؛ الکافی، ج ۱، ص ۶۱؛ کشف الغمّة، ج ۲، ص ۱۹۶-۱۹۷؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۲ و ج ۳، ص ۴۴۳ و ص ۴۴۶؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۷۴، ح ۱۷۵ و ج ۳، ص ۷۵، ح ۱۸۲).
وَفِيهِ بَدْءُ الْخَلْقِ وَمَا هُوَ كَاتِبٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَفِيهِ حَبْرُ السَّمَاءِ وَ حَبْرُ الْأَرْضِ وَ حَبْرُ الْجَنَّةِ وَ حَبْرُ النَّارِ وَ حَبْرُ مَا كَانَ وَ حَبْرُ مَا هُوَ كَاتِبٌ	M11			
أَعْلَمُ ذَلِكَ كَمَا أَنْظُرُ إِلَى كَفْيِ	M12			
إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ فِيهِ تَبْيَانُ كُلِّ شَيْءٍ	M13			
روایتی مشابه روایت R1 و R9 امام صادق <small>عليه السلام</small> فرمودند: وَاللَّهِ إِنِّي لِأَعْلَمُ كِتَابَ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيهِ إِلَى آخِرِهِ كَأَنَّهُ فِي كَفْيِ ...	M14	أَعْلَمُ - كِتَابَ اللَّهِ	R10	(تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۲۶۶؛ بصائر الدرجات، ص ۱۹۴؛ الکافی، ج ۱، ص ۲۲۹؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۳؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۷۴، ح ۱۷۴ و ج ۳، ص ۷۶، ح ۱۸۵؛ تفسیر اثنا عشری، ج ۷، ص ۲۶۶).
امام صادق <small>عليه السلام</small> فرمایند: ... وَأَنْزَلَ فِيهِ تَبْيَانُ كُلِّ شَيْءٍ وَ خَلَقَكُمْ وَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ نَبَأَ مَا قَبْلَكُمْ وَ فَضَّلَ مَا بَيْنَكُمْ وَ حَبْرَ مَا بَعْدَكُمْ	M15	تَبْيَانُ كُلِّ شَيْءٍ - نَبَأَ مَا قَبْلَكُمْ - فَضَّلَ مَا بَيْنَكُمْ - حَبْرَ مَا بَعْدَكُمْ	R11	(الکافی، ج ۱، ص ۲۶۹؛ کشف الغمّة، ج ۲، ص ۱۹۷؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۷۶، ح ۱۸۷).
وَأَمْرُ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ وَ مَا أَنْتُمْ صَائِرُونَ إِلَيْهِ	M16	وَأَمْرُ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ		
قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ <small>عليه السلام</small> : ... فَاسْتَنْطِقُوهُ وَلَنْ يَنْطِقَ لَكُمْ	M17	عِلْمٌ مَا مَضَى - عِلْمٌ مَا	R12	(الکافی، ج ۱، ص ۶۱؛ نهج البلاغه، ص ۲۲۳؛ تفسیر نور

مؤیدات روایی برای دسته D1	کُد قسمت تقطیع شده	کلید واژگان	کُد کل روایت	آدرس روایت و یا مشابه روایت در دیگر کتب روایی و تفسیری
أَخْبَرَكُمْ عَنْهُ		يَأْتِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ -		الثقلين، ج ٣، ص ٧٥، ح (١٨١).
إِنَّ فِيهِ عِلْمٌ مَّا مَضَى	M18	حُكْمٌ مَّا بَيَّنَّكُمْ -		
وَعِلْمٌ مَّا يَأْتِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ	M19	سَأَلْتُمُونِي - لَعَلَّمْتُكُمْ		
وَحُكْمٌ مَّا بَيَّنَّكُمْ وَبَيَّانٌ مَّا	M20			
أَصْبَحْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ				
فَلَوْ سَأَلْتُمُونِي عَنْهُ لَعَلَّمْتُكُمْ	M21			
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ كِتَابُ اللَّهِ فِيهِ نَبَأٌ مَّا قَبْلَكُمْ وَ خَيْرٌ مَّا بَعْدَكُمْ وَ فَضْلٌ مَّا بَيْنَكُمْ وَ نَحْنُ نَعْلَمُهُ	M22	كِتَابُ اللَّهِ - نَبَأٌ مَّا قَبْلَكُمْ - خَيْرٌ مَّا بَعْدَكُمْ - فَضْلٌ مَّا بَيْنَكُمْ - نَحْنُ نَعْلَمُهُ	R13	(الكافي، ج ١، ص ٦١؛ نهج البلاغه، ص ٥٣٠، كشف الغممه، ج ٢، ص ١٩٧؛ بحار الأنوار، ج ٤٧، ص ٣٥؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ١، ص ٣٢؛ تفسير نور الثقلين، ج ٣، ص ٧٥، ح ١٨٣).
عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ وَ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْحَقِّ وَ أَكْرَمَ أَهْلَ بَيْتِهِ	M23	الْقُرْآن - فَلَيْسَ أَلَيْ	R14	(الكافي، ج ٢، ص ٦٢٤؛ فلاح السائل و نجاح المسائل، ص ٢٨٣؛ بحار الأنوار، ج ٧٣، ص ٢١٢).
مَا مِنْ شَيْءٍ تَطْلُبُونَهُ مِنْ حِزْبٍ مِنْ حِزْبِي أَوْ عَرَقِي أَوْ سَرَقِي أَوْ إِفْلَاتٍ دَاتِيَةٍ مِنْ صَاحِبِهَا أَوْ صَالَةٍ أَوْ أَبِي إِلَّا وَ هُوَ فِي الْقُرْآنِ فَمَنْ أَرَادَ ذَلِكَ فَلَيْسَ أَلَيْ عَنَّهُ...	M24			
	M25			
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ ... وَ عِنْدَنَا وَ اللَّهُ عِلْمُ الْكِتَابِ كُلُّهُ	M26	عِنْدَنَا - عِلْمُ الْكِتَابِ كُلُّهُ	R15	(الكافي، ج ١، ص ٢٢٩؛ الخراج و الجرائع، ج ٢، ص ٧٩٧).
امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ مِي فَرَمَانِد: ... وَ أَنَا أَمْرٌ مِنْ فُرَيْشٍ قَدْ وَ لَدَنِي رَسُوْلُ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ عَلِمْتُ كِتَابَ اللَّهِ وَ فِيهِ تَبَيَّنَ كُلُّ شَيْءٍ	M27	عَلِمْتُ - كِتَابُ اللَّهِ - تَبَيَّنَ كُلُّ شَيْءٍ - أَمْرُ السَّمَاءِ - أَمْرُ الْأَرْضِ - أَمْرُ الْأَوَّلِينَ - أَمْرُ الْآخِرِينَ - أَمْرٌ مَّا كَانَ - أَمْرٌ مَّا يَكُونُ	R16	(الكافي، ج ٢، ص ٢٢٣؛ تفسير نور الثقلين، ج ٣، ص ٧٦-٧٧، ح ١٨٨).
بَدَأَ الْخَلْقَ وَ أَمْرَ السَّمَاءِ وَ أَمْرَ الْأَرْضِ وَ أَمْرَ الْأَوَّلِينَ وَ أَمْرَ الْآخِرِينَ وَ أَمْرٌ مَّا كَانَ وَ أَمْرٌ مَّا يَكُونُ	M28			
كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى ذَلِكَ نُضَبَ عَيْنِي	M29			

۲. تحلیل کیفی روایات

یکی از مؤیدات روایت (R1) را می‌توان (R6) دانست. در روایت (R1) امام صادق علیه السلام بعد از بیان علم و آگاهی خود از علوم نهفته در قرآن، شاهد تعجب حضارند (A2)؛ اما در (R6) می‌فرمایند: اگر کسی نزد شما آید و از آن‌ها به شما آگاهی دهد شما در شگفت شوید (M3)؛ که در این جا مقصود خود امامان معصوم علیهم السلام است. چرا امام علیه السلام بعد از دیدن تعجب حاضرین در مجلس اشاره به آیه‌ای از قرآن می‌فرمایند؟ جواب در کلام خود ائمه اطهار علیهم السلام است؛ امام باقر علیه السلام فرمود:

إِذَا حَدَّثْتُمْ بِشَيْءٍ فَاسْأَلُونِي مِنْ كِتَابِ اللَّهِ.^۱

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

... فَإِنَّا إِذَا حَدَّثْنَا قُلْنَا قَالَ اللَّهُ ﷻ وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ.^۲

امام رضا علیه السلام فرمود:

... إِنَّا عَنِ اللَّهِ وَعَنْ رَسُولِهِ نَحْدُثُ.^۳

پس جمله «إِنَّ اللَّهَ ﷻ يَقُولُ» این روایت می‌تواند شهادی بر صدور آن از ناحیه معصوم علیه السلام باشد... هم‌چنین در این روایت شبهه و یا تعارض آن با آیات قرآن و اخبار اثبات شده متقدم دیده نمی‌شود.

گویا جلسات و سخنرانی‌های امام علیه السلام در محافل عمومی و خصوصی دنباله دار بوده و بعضا سؤال و جواب‌هایی مطرح می‌شده؛ مؤید این نکته در روایات دیگر، مانند (R7) به خوبی مشاهده می‌شود. شاید هم امام علیه السلام در حد فهم مخاطب بیان فرموده‌اند؛ مانند (A8)؛ امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

مَا كَلَّمَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْعِبَادَ بِكُنْهِ عَقْلِهِ قَطُّ، وَقَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمِرْنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ».^۴

هر دو وجه مؤید روایی داشته و گویا صحیح است. گاه در سخن ما هم این گونه است.

۱. الکافی، ج ۱، ص ۶۰.

۲. رجال الکشی، ص ۲۲۴؛ بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۵۰.

۳. همان.

۴. الکافی، ج ۱، ص ۲۳.

بعضا اشاره‌ای به یک نکته می‌شود و تعقل در ارتباط با آن موضوع، به مخاطب واگذار می‌شود؛ زیرا مخاطب ذهنیت و آگاهی ضمنی با آن موضوع دارد. ذکاوت مخاطب می‌طلبد که با سؤال‌های مرتبط با آن موضوع، سطح دانش خود را در جهت درک کامل مطلب و اشراف هر چه بیشتر آن بالا ببرد. این گونه روایات نوعی اعجاز قرآن در خبرهای غیبی است که ائمه اطهار علیهم‌السلام از آن آگاهی کامل دارند

علم غیب ائمه اطهار علیهم‌السلام و نیز قدرت آن بزرگواران در بسیاری از امور، در قرآن و روایات دایره گسترده‌ای دارد که برخی از آن‌ها در الکافی ذکر شده^۱ و ارتباط عمیقی با بحث جامعیت قرآن و روایات آن دارد؛ مانند روایتی که ابوبصیر از امام صادق علیه‌السلام درباره علم کامل و حقیقی سؤالی پرسید (R7)؛ و حضرت علیه‌السلام پاسخ و توضیحاتی فرمودند (M4، M5). در هر مرحله، ابوبصیر گمان می‌کرد که علم کامل و حقیقی آن است؛ اما حضرت علیه‌السلام می‌فرمودند:

إِنَّهُ لَعِلْمٌ وَلَيْسَ بِذَاكَ؛

این علم است، ولی کامل نیست.

در آخر ابوبصیر عرض کرد: پس علم کامل چیست؟ حضرت فرمودند: علمی است که در هر شب و هر روز راجع به موضوعی پس از موضوع دیگری و چیزی پس از چیز دیگری تا روز قیامت پدید آید (M6).

در این روایت نکاتی بسیار مهمی وجود دارد که می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. در سخنان امام صادق علیه‌السلام هیچ شهادی از آیات قرآن وجود ندارد؛ اما در دیگر روایات شاهد از قرآن مطرح می‌شود (M13، A4، A3)؛ زیرا مخاطب امام علیه‌السلام ابوبصیر - که از شاگردان ویژه حضرت است - شنیدن این موارد برای او تعجبی ندارد.

۲. امام علیه‌السلام فراتر از علومی که در محافل عمومی به آن اشاره داشتند (A1) به ابوبصیر می‌فرمایند (M6).

۳. علم کاملی که امام علیه‌السلام از آن سخن گفته‌اند نیز نزد اهل بیت علیهم‌السلام است؛ زیرا در روایتی دیگر ابوبصیر از حضرت سؤال می‌پرسد: چه چیز در نزد شما علم است؟ و حضرت همان پاسخ (M6) را می‌فرمایند.^۲ و نیز در جایی دیگر این گونه نقل شده که حضرت علیه‌السلام می‌فرمایند:

۱. همان، ج ۱، ص ۲۶۰-۲۶۲.

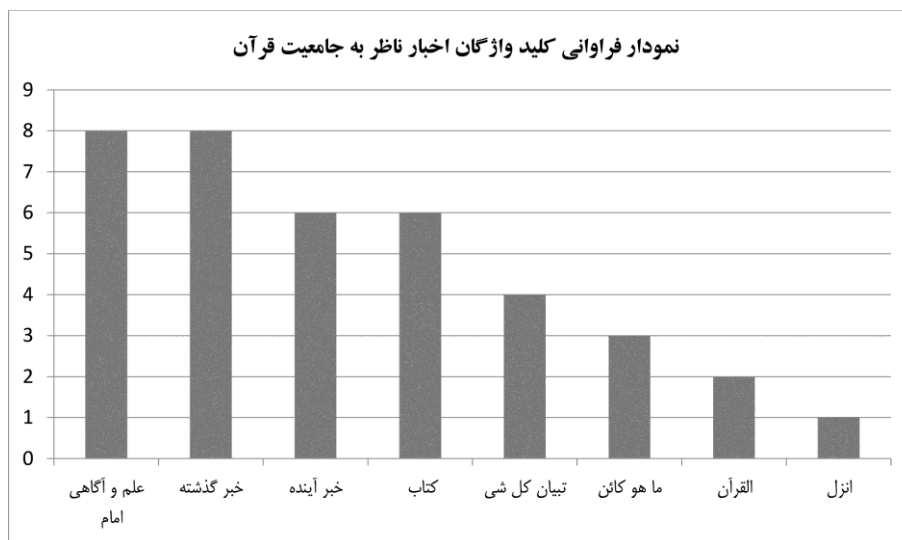
۲. بصائر الدرجات، ص ۳۲۵.

إِنَّا لَنَعْلَمُ مَا يَحْدُثُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ...^۱

۴. در روایت (R8) آمده که: «هرگاه خدا خیر مردمی را خواهد آن‌ها را شنوا سازد» (M8). ابوبصیر از شاگردان برجسته حضرت، این ویژگی را دارا بود؛ زیرا حقایق بسیاری برای او بازگو شده است (R7). حضرت علیه السلام می‌فرماید: «اگر دل‌های وسیعی پیدا می‌کردیم که تاب تحمل حقائق داشت و اگر مردم نکته فهم و راز داری که مذاکره با آن‌ها وسیله آسایش خاطر بود در دست داشتیم می‌گفتیم و خدا یاور ما است» (M9).
 روایت (R9) و (R10) شباهت بسیاری با (R1) دارند؛ با این تفاوت که در (R9) ابتدا امام صادق علیه السلام اشاره به مطلب بسیار مهمی دارند: «من زاده رسول خدایم» (M10)؛ و بعد از آن ضمن بیان علوم نهفته در قرآن (M11)، مثالی برای سادگی دانستن و فهم این امور برای امام معصوم علیه السلام، بیان (M12) و (M14) و مؤید کلام خویش را از قرآن می‌فرمایند (M13). در روایت (R10) نیز در ابتدا امام علیه السلام برای دانستن تمام کتاب خدا قسم یاد فرموده‌اند که ناظر به اهمیت مطلب است.

سنجش فراوانی موضوعات اصلی و فرعی

در این مرحله برای دریافت پیام اصلی متن روایات مورد بحث به سنجش فراوانی موضوعات اصلی و فرعی پرداخته می‌شود. لذا کلیدواژگان روایات مرتبط با جامعیت قرآن اهمیت دارد. از این رو، استفاده از یک کلمه و اصطلاحات خاص و تکرار و تأکید مجدد آن‌ها بسیار مهم است. البته چون کلیدواژگان کثیرند، همگی ذکر نمی‌شوند؛ برخی از آن‌ها یکسان‌سازی و در یک ستون قرار می‌گیرند، سپس فراوانی‌شان سنجیده می‌شود و در جداولی در روایات دسته (D1- D5) طراحی شده است:



کان»، «ما یكون» و واژه «کتاب» بیشترین فراوانی را در روایات ناظر به جامعیت قرآن داشته است؛ یعنی آگاهی بخشی مردم و سوق دادن آن‌ها به علم امام علیه السلام بسیار حایز اهمیت بوده و ارتباط تنگاتنگی بین علم ائمه اطهار علیهم السلام و دیگر واژگان پرتکرار است.

۱. ارتباط روایات ناظر به دسته اول با روایت امام سجاده علیه السلام

امام زین العابدین علیه السلام می‌فرماید:

آيَاتُ الْقُرْآنِ خَزَائِنٌ فَكُلَّمَا فَتَحْتَ خِزَانَةً يَنْبَغِي لَكَ أَنْ تَنْظُرَ مَا فِيهَا.^۱

در شرح این روایت آمده:

در آیات قرآن انواع جواهر معانی و اسرار و حقایق و اصنافی از لطیفه‌ها و فواید و دقایق وجود دارد و به همین جهت قرآن با وجود کمی لفظ و حجم کم، مشتمل بر همه آن چه بوده و آن چه هست و آن چه تا روز قیامت خواهد بود است.^۲

سطوح و وسعت معنایی آیات قرآن که در روایات ظهور و بطن قابل استناد است به حدی

است که امام علی علیه السلام فرموده:

... تأویل کل حرف من القرآن علی وجوه.^۳

تأویل هر حرفی از قرآن وجوه مختلفی دارد که برای جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله قابل احصاء

است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

إِنَّ فِي الْقُرْآنِ مَا مَضَىٰ وَمَا يَحْدُثُ وَمَا هُوَ كَائِنٌ كَانَتْ فِيهِ أَسْمَاءُ الرِّجَالِ فَالْقَيْتُ وَإِمْنَا
الإِسْمُ الْوَاحِدُ مِنْهُ فِي وُجُوهِ لَا يُحْصَىٰ ذَلِكَ الْوَصَاءُ.^۴

لذا قرآن نیازهای هر عصری را تأمین می‌کند و همیشه زنده و جاودان است. امام صادق علیه السلام با توجه به فاصله مردم از زمان نزول وحی در منبرهای سلونی خود، می‌خواستند مردم را از حقایق و علوم نهفته در قرآن آگاه کرده و به ائمه اطهار علیهم السلام سوق دهند؛ اما گویی همان قضایایی که در زمان امیرمؤمنان علیه السلام اتفاق افتاد، در زمان زندگی امام صادق علیه السلام نیز تکرار شد. روایت (R1) مطابق با کلام امام علی علیه السلام است:

۱. الکافی، ج ۲، ص ۶۱۰.

۲. شرح الکافی، ج ۱۱، ص ۳۱.

۳. وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۲۰۲.

۴. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۲.

... وَ سَلَوْنِي عَنِ الْقُرْآنِ، فَإِنَّ فِي الْقُرْآنِ بَيَانَ كُلِّ شَيْءٍ وَ فِيهِ عِلْمُ الْأَوَّلِينَ وَ الْأَخِيرِينَ، وَإِنَّ الْقُرْآنَ لَمْ يَدَعْ لِقَائِلٍ مَقَالًا.^۱

۲. شرح برخی از واژگان روایات R1، R9، R10 و R11

اهم نکات واژگان کلیدی روایات عبارت اند از:

۱. در این روایات، امام علیه السلام برای نقل به معنا کرده اند: «فیه تبیاناً لکُلِّ شئیء»؛ زیرا آیه قرآن به گونه دیگری است:

﴿... وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ...﴾^۲

۲. (ما هو کائن الی یوم القیامه): از حوادث روزانه و وقایع جزئی؛ و آثار عالی و سافل و هر آن چه که در این عالم جریان پیدا خواهد کرد. از جنگ و صلح و غیر آن که زبان قادر به شمارش آن نیست.^۳ (خبر ما کان): (یعنی همان «نبأ ما قبلکم» و «خبر من قبلکم»): اخبار امت ها و انبیای گذشته و آن چه که برایشان نازل شده؛ (و فصل ما بینکم) که شامل: شرایع، احکام و سایر امور دینی و دنیوی می شود. (خبر ما هو کائن)، یعنی همان (خبر ما بعدکم): آن چه که در آینده در زمین و آسمان رخ خواهد داد تا روز قیامت.^۴ خلاصه علوم یا متعلق مبدأ است و یا معاد و یا آن چه بین این دو جریان دارد؛ و امام علیه السلام می فرمایند همه این علوم در قرآن موجود است و با کلام «و خبر ما کان و ما هو کائن» این موضوع را تأیید و تأکید می فرمایند.^۵

۳. درباره علم ائمه علیهم السلام بر آن چه واقع شده و می شود، تا روز قیامت، روایات فراوانی به دست ما رسیده است. بدیهی است علوم قرآن، نزد پیغمبر صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام است. در کتاب الکافی در باب «این که ائمه هدی علیهم السلام آن چه را شده و می شود می دانند و چیزی بر آنان مخفی نیست»، شش روایت نقل شده که از آن جمله روایتی سیف تمار است:

۱. کتاب سلیم بن قیس الهمالی، ص ۹۴۲.

۲. سوره نحل، آیه ۸۹.

۳. شرح الکافی، ج ۲، ص ۳۶۵.

۴. بحار الانوار، ج ۳، ص ۱۵۷.

۵. شرح الکافی، ج ۲، ص ۳۶۶.

۶. بصائر الدرجات، ص ۱۲۷-۱۲۸؛ ص ۱۲۹، ح ۱-۶؛ ص ۱۳۰، ح ۱-۳؛ ص ۱۵۲، ح ۱؛ ص ۱۶۰، ح ۳۱؛ الکافی، ج ۱، ص ۱۴۸، ح ۱۴؛ کامل الزیارات، ص ۱۱۶، ح ۲؛ الخصال، ج ۲، ص ۵۷۶؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۵۳، ح ۵۱؛ دلائل الامامه، ص ۱۰۶؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۲۲۸؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۷۱؛ الأمان، ص ۶۸-۶۹؛ إرشاد القلوب إلى الصواب، ج ۲، ص ۳۷۴.

كُنَّا مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَمَاعَةً مِنَ الشَّيْعَةِ فِي الْحِجْرِ، فَقَالَ: عَلَيْنَا عَيْنٌ، فَالْتَفَتْنَا يَمَنَةً وَ
يَسْرَةً فَلَمْ نَرَ أَحَدًا، فَقُلْنَا: لَيْسَ عَلَيْنَا عَيْنٌ، فَقَالَ: وَرَبِّ الْكَعْبَةِ وَرَبِّ الْبَيْتَةِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ
لَوْ كُنْتُ بَيْنَ مُوسَى وَالْحُضَيْرِ لَأَخْبِرْتُهُمَا أَنِّي أَعْلَمُ مِنْهُمَا وَلَأَنْبَأُهُمَا بِمَا لَيْسَ فِي أَيْدِيهِمَا،
لِأَنَّ مُوسَى وَالْحُضَيْرَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أُعْطِيَا عِلْمَ مَا كَانَ وَ لَمْ يُعْطِيَا عِلْمَ مَا يَكُونُ وَمَا هُوَ كَائِنٌ حَتَّى
تَقُومَ السَّاعَةُ، وَقَدْ وَرِثْنَاهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَرِثَةً.^۱

در شرح این روایت آمده است:

اگر کسی بگوید: این که امام علی (ع) سؤال کرد: «آیا این جا جاسوسی هست» با علم امام
به ما کان و ما هو کائن منافات دارد؟ می‌گوییم: ائمه هدی (ع) مکلف نیستند که بر
طبق علم امامت عمل کنند. پس ناچارند که ملاحظه تقیه را هم بکنند...^۲

کتاب

«کتاب» یکی از مهم‌ترین عناصر حوزه وحی و از کلیدواژگان پرکاربرد روایات ناظر به
جامعیت قرآن است؛ اما برداشت عامیانه از این واژه، چه میزان با کاربردهای قرآنی و روایی
آن مطابقت دارد؟ مراد از «کتاب» در آیه ۸۹ نحل چیست؟ آیا به مجموعه‌ای مکتوب و
مدون، متشکل از تعدادی اوراق در بین دو جلد دلالت دارد؟ یا بر مفهومی فراتر از آن چه به
اذهان متبادر است اشارت دارد؟

مفسران زیادی «کتاب» در این آیه را قرآن می‌دانند.^۳ هم‌چنین در کتابی مستقل به تفصیل
در رابطه با این واژه صحبت شده است.^۴

۱. تبیین جامعیت قرآن در منبرهای سلونی اهل بیت (ع)

برخی روایات اشاره دارد که اهل بیت (ع) از مردم خواسته‌اند از ایشان درباره علوم نهفته در

۱. الکافی، ج ۱، ص ۲۶۰-۲۶۱.

۲. بحار الانوار، ج ۳، ص ۱۲۹.

۳. جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص ۱۰۸؛ بحر العلوم، ج ۲، ص ۲۸۷؛ التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۴۱۸؛ تفسیر
سور آبادی، ج ۲، ص ۱۳۱۲؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۵۸۶؛ روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن،
ج ۱۲، ص ۸۱؛ المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، ج ۳، ص ۴۱۵؛ دقائق التأویل و حقائق التنزیل، ص ۳۶۵؛ تفسیر
الجلالین، ص ۲۸۰؛ تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ج ۵، ص ۲۱۴؛ تفسیر القرآن الکریم (شبر)، ص ۲۷۵؛
تفسیر اثنا عشری، ج ۷، ص ۲۶۵؛ تفسیر الکاشف، ج ۴، ص ۵۴۳؛ الجدید فی تفسیر القرآن المجید، ج ۴، ص ۲۵۱؛
الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، ج ۲، ص ۱۸۳ و ۳۶۳؛ تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۳۶۱.

۴. مطالعه معنایی کتاب و حیاتی، بازخوانی کاربردهای قرآنی، سرتاسر.

قرآن و تمامی اختلافاتشان سؤال کنند (R12 و M25) و حتی فرمودند: اگر از من بپرسید؛ به شما می آموزم (M21)؛ ما همه آن را می دانیم (M22). اما برخی دیگر از روایات ظاهرا اشاره به منبر سلونی نداشته، اما در واقع ائمه علیهم السلام سعی در سوق دادن مردم به سمت معصومین علیهم السلام و علمشان داشته اند. البته در این دسته از روایات فقط تعجب مخاطبین دیده شده و سؤالی مطرح نگردیده است (R1، R6، R9، R10، R13، R15، R16). البته در ادامه روایت چندین نفر به خاطر مشکلاتی که داشتند از امام علیهم السلام سؤالی پرسیدند و امام علیهم السلام جوابشان را از قرآن دادند و به خواندن آیه ای از قرآن سفارش نمودند (R14).^۱

معصومین علیهم السلام از علوم نهفته در قرآن آگاهی کامل دارند؛ لذا حضرت علی علیه السلام می فرمود:

سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي فَأَنَا بِطُرُقِ السَّمَاءِ أَعْلَمُ مِمَّنِي بِطُرُقِ الْأَرْضِ.^۲

امام صادق علیه السلام نیز مانند اجداد طاهرينشان علیهم السلام همین مطلب را در قالب الفاظ دیگری فرمودند:

سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي، فَإِنَّهُ لَا يُحَدِّثُكُمْ أَحَدٌ بَعْدِي مِثْلَ حَدِيثِي.^۳

۲. اختلاف فهم مخاطب

اختلاف فهم مخاطب بدیهی است. مثلاً تفاوت فهم زراره و برادرش حمران در موضوع اوقات نماز و هم چنین اختلاف فهم عبید بن زراره و عبدالله بن بکیر در سخنی از امام صادق علیه السلام مشهود است.^۴ حضرت علی علیه السلام می فرماید:

... وَ لَيْسَ كُلُّ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ كَانَ يَسْأَلُهُ عَنِ الشَّيْءِ فَيَفْهَمُهُ وَ كَانَ مِنْهُمْ مَنْ يَسْأَلُهُ وَ لَا يَسْتَفْهِمُهُ حَتَّىٰ إِنْ كَانُوا لَيُحِبُّونَ أَنْ يَجِيءَ الْأَعْرَابِيُّ وَ الطَّارِئُ فَيَسْأَلُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ حَتَّىٰ يَسْمَعُوا...^۵

عوامل صدور روایات جامعیت قرآن به ویژه در عصر صادقین علیهم السلام

از دوران صحابه استفاده از رأی و قیاس در میان اهل سنت متداول شد و در عهد تابعان گسترش یافت و به تدریج بر حجم استفاده از آن افزوده می شد. در عهد صادقین علیهم السلام مکتب

۱. الکافی، ج ۱، ص ۶۰؛ همان، ج ۲، ص ۶۲۴.

۲. نهج البلاغه، ص ۲۸۰.

۳. بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۳۳.

۴. الکافی، ج ۳، ص ۲۷۳؛ معانی الأخبار، ص ۲۶۶-۲۶۷.

۵. الکافی، ج ۱، ص ۶۴.

مستقلی با عنوان مکتب رأی و قیاس شکل گرفت و پیشوایان اهل سنت تلاش کردند که اعتبار و حجیتش را اثبات کنند. لذا قیاس به عنوان یکی از مصادر فقهی اهل سنت در تمام فرق آنان پذیرفته شد و دانشمندان همواره از آن دفاع کرده و بر صحت آن احتجاج نموده‌اند.^۱ در این میان صادقین علیهم‌السلام مناظراتی را با بزرگان اهل سنت، مانند ابوحنیفه - که از پیروان رأی و قیاس بوده - انجام می‌دادند و ضمن تخطئه شدید رأی و قیاس، معتقدان و عاملان به آن را افرادی گمراه و منحرف دانسته‌اند.^۲ دلیل این موضع‌گیری امامان علیهم‌السلام از روایات فراوانی که درباره نهی از اعمال رأی در تفسیر قرآن و قیاس در امور دینی وارد شده برداشت می‌شود.^۳ امام صادق علیه‌السلام در نامه‌ای که به اصحابشان درباره تبیان بودن قرآن و نهی از سلیقه و قیاس در دین می‌فرماید:

... وَاعْلَمُوا أَنَّهُ لَيْسَ مِنْ عِلْمِ اللَّهِ وَلَا مِنْ أَمْرِهِ أَنْ يَأْخُذَ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ فِي دِينِهِ بِهَوَىٰ وَ لَا رَأْيٍ وَلَا مَقَاسٍ قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ الْقُرْآنَ وَجَعَلَ فِيهِ تَبْيَانًا كُلَّ شَيْءٍ وَجَعَلَ لِلْقُرْآنِ وَ لِيَتَعَلَّمَ الْقُرْآنَ أَهْلًا لَا يَسْعُ أَهْلَ عِلْمِ الْقُرْآنِ الَّذِينَ آتَاهُمُ اللَّهُ عِلْمَهُ أَنْ يَأْخُذُوا فِيهِ بِهَوَىٰ وَ لَا رَأْيٍ وَلَا مَقَاسٍ ...^۴

استفاده اهل سنت از رأی و قیاس در مسائل دینی به تدریج این باور و اعتقاد را پدید آورد که در هر دوره و زمان مسائلی وجود دارد و یا اتفاقاتی رخ می‌دهد که حکمی ناظر بر آن‌ها در کتاب و سنت نیست و آنان ناچار با استفاده از رأی و قیاس باید فتوایی برای آن مسائل صادر کنند.^۵ به دلیل مجاورت شیعیان با اهل سنت این تفکر در برخی از شیعیان نیز به وجود آمد. ابوبصیر گوید:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه‌السلام تَرِدُ عَلَيْنَا أَشْيَاءُ لَيْسَ نَعْرِفُهَا فِي كِتَابِ اللَّهِ وَلَا سُنَّةٍ فَتَنْظُرُ فِيهَا، فَقَالَ: لَا أَمَّا إِنَّكَ إِنْ أَصَبْتَ لَمْ تُؤْجِزْ وَإِنْ أَخْطَأْتَ كَذَبْتَ عَلَى اللَّهِ ﷻ.^۶

لذا امامان علیهم‌السلام با این تفکر که ممکن است مسأله‌ای به وجود آید و ریشه‌ای در کتاب و سنت نداشته باشد، به مخالفت برخاسته و فرمودند:

۱. شناخت حدیث (مبانی فهم متن - اصول نقد سند)، ص ۲۴۴.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۵۸.

۳. الکافی، ج ۱، ص ۵۷؛ التوحید، ص ۱۹.

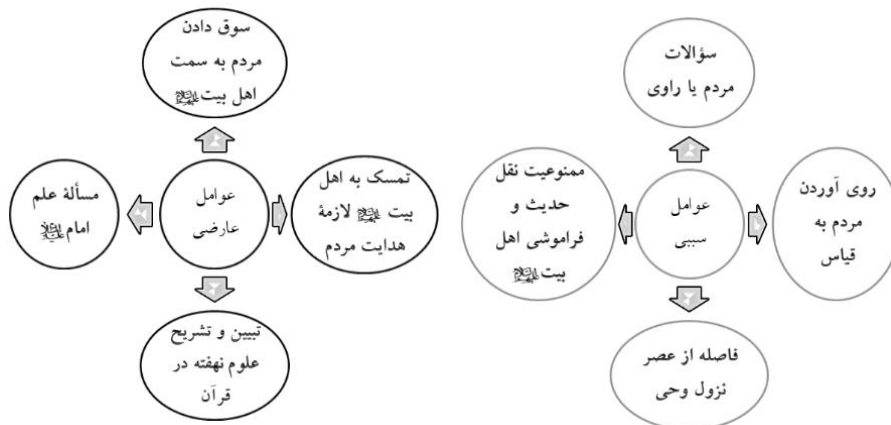
۴. الکافی، ج ۸، ص ۵.

۵. شناخت حدیث (مبانی فهم متن - اصول نقد سند)، ص ۲۴۶.

۶. الکافی، ج ۱، ص ۵۶.

مَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَفِيهِ كِتَابٌ أَوْ سُنَّةٌ.^۱

بررسی عوامل صدور روایات جامعیت قرآن از ناحیه معصومین علیهم السلام و فضای گفتمان حدیث، اهمیت دارد. این عوامل به دو دسته عوامل عارضی یا سببی تقسیم می‌شود که در نمودار زیر ترسیم شده است.



نتیجه

جستجو در اخبارناظر به جامعیت قرآن، در بخش علم ائمه اطهار علیهم السلام به «ماکان و ما یكون» در کتاب الکافی نشان می‌دهد که:

الف. از مجموع شش روایت، تنها یک روایت مرتبط با بحث جامعیت قرآن بوده که ضمن ارتباط تنگاتنگ با حوزه علم ائمه اطهار علیهم السلام مؤیدات روایی فراوانی برای آن در کتاب الکافی و بقیه کتب روایی وجود داشته و به گونه‌ای زنجیروار به یکدیگر متصل‌اند که گویی از یک تن از معصومین علیهم السلام و در یک زمان خاص نقل شده است؛ در حالی که در مقاطع مختلف با توجه به فضای گفتمان، توسط اهل بیت علیهم السلام مطرح گردیده‌اند.

ب. کلیدواژه مربوط به «علم و آگاهی معصومان علیهم السلام» از قبیل: «أَعْلَمُ، عَلِمْتُ، نَعْلَمُ، عِنْدَنَا وَ اللَّهُ عِلْمُ الْكِتَابِ كُلُّهُ وَ هَمَّ جَنِينِ وَ اِزْكَانِي از قبیل علم به «ماکان» و «ما هو کائن» و هم چنین واژه «کتاب» بیشترین فراوانی در این روایات دارد.

ج. عامل اصلی صدور این روایات سوق دادن مردم به سمت اهل بیت علیهم السلام برای بهره‌مندی از علمشان بوده؛ چرا که استفاده از رأی و قیاس در میان اهل سنت متداول شد و در عهد تابعان طرفداران زیادی یافت و با گذر زمان بر حجم استفاده از آن افزوده می‌شد.

کتابنامه

- قرآن کریم، ترجمه فولادوند.
- الإحتجاج علی أهل اللجاج، احمد بن علی طبرسی، مشهد: مرتضی، چاپ اول، ۱۴۰۳ق.
- الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، محمد بن نعمان (شیخ مفید)، قم: کنگره شیخ مفید، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
- إرشاد القلوب إلى الصواب، شیخ حسن دیلمی، قم: رضی، ۱۴۱۲ق.
- الأمان، سید علی بن موسی ابن طاوس، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق.
- بحار الأنوار، محمد باقر مجلسی، تهران: اسلامیه، ۱۴۰۴ق.
- بحر العلوم، نصرین محمد بن احمد سمرقندی، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.
- البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم بحرانی، تهران: بنیاد بعثت، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
- بصائر الدرجات، محمد بن حسن بن فروخ صفار، قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی، ۱۴۰۴ق.
- تأویل الآیات الظاهرة، سید شرف‌الدین حسینی استرآبادی، چاپ اول، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۹ق.
- التبیان فی تفسیر القرآن، محمد بن حسن طوسی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
- تحلیل محتوا، لورنس باردن، ترجمه: ملیحه آشتیانی و محمد یمنی دوزی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۵ش.
- تفسیر اثنا عشری، حسین بن احمد حسینی شاه عبدالعظیمی، تهران: انتشارات میقات، ۱۳۶۳ش.
- تفسیر الجلالین، جلال الدین محلی و جلال الدین سیوطی، بیروت: مؤسسه النور للمطبوعات، ۱۴۱۶ق.
- تفسیر أحسن الحدیث، سید علی اکبر قرشی، تهران: بنیاد بعثت، چ سوم: ۱۳۷۷ش.

- تفسیر سور آبادی، ابوبکر عتیق بن محمد سور آبادی، تهران: فرهنگ نشر نو، ۱۳۸۰ ش.
- تفسیر الصافی، ملا محسن فیض کاشانی، تهران: الصدر، چاپ دوم، ۱۴۱۵ ق.
- تفسیر الصراط المستقیم، سید حسین بروجردی، قم: موسسه انصاریان، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.
- تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود عیاشی، تهران: چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ ق.
- تفسیر القرآن الکریم (شبر)، سید عبدالله شبر، بیروت: دار البلاغة للطباعة والنشر، ۱۴۱۲ ق.
- تفسیر القمی، علی بن ابراهیم قمی، قم: دارالکتاب، چاپ چهارم، ۱۳۶۷ ش.
- تفسیر الکاشف، محمد جواد مغنیه، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۲۴ ق.
- تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چ اول: ۱۳۷۴ ش.
- تفسیر نور الثقلین، عبد علی بن جمعه عروسی حویزی، قم: انتشارات اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ ق.
- التوحید، محمد بن علی ابن بابویه، قم: جامعه مدرسین، چ اول، ۱۳۹۸ ق.
- جامع البیان فی تفسیر القرآن، ابو جعفر محمد بن جریر طبری، بیروت: دار المعرفه، ۱۴۱۲ ق.
- الجدید فی تفسیر القرآن المجید، محمد بن حبیب الله سبزواری نجفی، بیروت: دار التعارف للمطبوعات: ۱۴۰۶ ق.
- الخرائج و الجرائح، سعید بن هبة الله قطب راوندی، قم: مدرسه امام مهدی علیه السلام، چاپ اول: ۱۴۰۹ ق.
- الخصال، محمد بن علی ابن بابویه، قم: جامعه مدرسین، چ اول، ۱۳۶۲ ش.
- دقائق التأویل و حقائق التنزیل، محمود بن محمد حسنی أبوالمکارم، تهران: نشر میراث مکتوب، ۱۳۸۱ ش.
- دلایل الامامه، محمد بن جریر طبری، قم: دارالذخائر للمطبوعات، بی تا.
- رجال الکشی (اختیار معرفه الرجال)، ابو عمرو کشی، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، ۱۴۹۰ ق.
- روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، حسین بن علی ابوالفتوح رازی، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ ق.
- شرح الکافی، محمد صالح مازندرانی، تهران: المكتبة الإسلامیة، ۱۳۸۲ ق.
- شناخت حدیث (مبانی فهم متن - اصول نقد سند)، مجید معارف، تهران: نبا، ۱۳۸۷ ش.

- شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، عبید اللہ بن احمد حسکانی، تہران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۱ق
- عیون أخبار الرضا علیہ السلام، محمد بن علی ابن بابویہ، تہران: نشر جهان، چ اول، ۱۳۷۸ق.
- فلاح السائل و نجاح المسائل، سید علی بن موسی ابن طاوس، قم: بوستان کتاب، بی تا.
- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تہران: اسلامیہ، ۱۳۶۲ش.
- کامل الزیارات، جعفر بن موسی بن مسرور ابن قولویہ، نجف: انتشارات مرتضویہ، ۱۳۵۶ش.
- کتاب سلیم بن قیس الہلالی، سلیم بن قیس ہلالی، قم: انتشارات ہادی، ۱۴۰۵ق.
- کشف الغمۃ، علی بن عیسیٰ اربلی، تبریز: چاپ مکتبہ بنی ہاشمی، ۱۳۸۱ق.
- کمال الدین و تمام النعمۃ، محمد بن علی ابن بابویہ، تہران: اسلامیہ، چاپ دوم، ۱۳۹۵ق.
- مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فضل بن حسن طبرسی، تہران: انتشارات ناصر خسرو، چ سوم، ۱۳۷۲ش.
- المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقی، قم: دارالکتب الاسلامیہ، ۱۳۷۱ق.
- المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز، عبدالحق بن غالب ابن عطیہ اندلسی، بیروت: دارالکتب العلمیہ، چ اول، ۱۴۲۲ق.
- مستدرک الوسائل، حسین نوری، قم: مؤسسہ آل البیت، ۱۴۰۸ق،
- مطالعة معنایی کتاب و حیاتی، بازخوانی کار بردہای قرآنی، علی رضا فخاری، تہران: دانشگاه علامہ طباطبائی علیہ السلام، ۱۳۹۴ش.
- معانی الأخبار، محمد بن علی بن بابویہ، قم: جامعہ مدرسین، چاپ اول، ۱۴۰۳ق.
- المناقب آل اٰبی طالب علیہ السلام، محمد بن شہر آشوب مازندرانی، قم: مؤسسہ انتشارات علامہ، ۱۳۷۹ش.
- منہج الصادقین فی الزام المخالفین، ملافتح اللہ کاشانی، تہران: کتاب فروشی محمد حسن علمی، ۱۳۳۶ش.
- نہج البلاغہ، محمد بن حسین شریف الرضی، قم: ہجرت، چ اول، ۱۴۱۴ق.
- الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز، علی بن محمد علی دخیل، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۲۲ق.
- وسائل الشیعہ، محمد بن حسن حر عاملی، قم: مؤسسہ آل البیت علیہ السلام، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.

- «بررسی دلالت عبارت «تبیان کل شیء» بر جامعیت قرآن»، محمد ابراهیم روشن ضمیر، آموزه‌های قرآنی، ۱۳۹۳ش، شماره ۱۹.
- «پژوهشی در رویکرد جامعیت مطلق قرآن»، علی غضنفری، پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، ۱۳۹۶ش، شماره دهم.
- «تبیین راه کارهای عملی و نظری کسب تواضع و فروتنی بر مبنای تحلیل محتوای خطبه قاصعه امیرالمومنین علیه السلام»، صدیقه کاشفی، محمد عترت دوست و فتحیه فتاحی زاده، ۱۳۹۹.
- «تحلیل محتوا»، روح الله رضوانی، پژوهش، ۱۳۸۹ش، ش اول.
- «تحلیل محتوای توحیدی امام صادق علیه السلام با ابن ابی العوجاء»، فرشته معتمد لنگرودی، و بی بی سادات رضی بهابادی و محمد عترت دوست، شیعه پژوهی، ۱۳۹۷ش، شماره پانزدهم.
- «روش شناسی فهم حدیث در فرایند سه گانه تحلیل متن، تحلیل محتوا و تحلیل گفتمان»، محمد عترت دوست، دو فصلنامه علمی پژوهشی حدیث پژوهی، ۱۳۹۸ش، ش بیست و یکم.
- «رهاوردهای استفاده از روش «تحلیل محتوای کمی» در فهم احادیث»، محمد جانی پور، و رضا شکرانی، مجله پژوهش های قرآن و حدیث، پاییز و زمستان ۱۳۹۲ش، ش دوم.
- “Using thematic analysis in psychology”, Braun, V. & Clarke, V. (2006), Qualitative Research in Psychology, Vol. 3, No. 2, Pp. 77-101.
- Thematic networks: an analytic tool for qualitative research, Attride-Stirling, J. (2001).. Qualitative research, 1(3), 385-405.